

تابوشکنی در رمان

سلین در باره خودش کمتر حرف می‌زد و وقتی هم که در مورد خودش می‌گفت دروغ بود. یکی از دوستان سلین که در یکی از مصاحبه‌هایش حضور داشته، می‌گوید او از اول تا آخر به یک خبرنگار دروغ گفت و بعد از رفتن او نیز از دروغ گفتنش خوشحال شد. سلین جایی گفته: «حقیقت دردی است که هیچ وقت انسان را رها نمی‌کند و حقیقت این دنیا مرگ است. باید انتخاب کنی؛ مرگ یا دروغ.» او در همه آثارش ردی از شخصیتش را به جا گذاشته است. مثلاً در «سفر به انتهای شب»، قهرمان اصلی داستانش (فردینان) خود سلین است و قصه، ماجرای بخشی از زندگی خود اوست. فردینان داستان همان قدر بی‌حوصله، تند، بدبین و منزجر است که فردینان سلین. او هرگز عاقبت خوبی برای بشر متصور نبوده است و به همین دلیل سفر به انتهای شب را با لحنی اعتراض‌آمیز و تلخ نوشت. علاقه‌ای که او را وادار به نوشتن این رمان کرد نیز نتوانست مانع بدبینی او نسبت به بشر شود. لویی فردینان دتوس که با نام مستعار «سلین» فعالیت می‌کرد از جمله نویسندگانی است که انزوارا بر هیاهو و جنجال و حضور در مجامع ترجیح می‌داده است.

او در دو جنگ جهانی شرکت کرد و در یکی از آنها هم زخمی شده بود؛ بنابراین در تمام داستان‌هایش درست مثل یک پیر دنیا دیده است که برای بچه‌ها قصه تعریف می‌کند. در عین حال نکته عجیب و منحصر به فرد حکایت‌های او این است که هیچ چیز دلچسپ و معنا داری در داستان‌هایش نمی‌توان پیدا کرد. شخصیت‌های داستانش مدام در موقعیت‌های پوچ قرار می‌گیرند و بیشتر آنها را مرگ به عجیب‌ترین شکل ممکن غافلگیر می‌کند. نثرش طنز تلخ و سردی است که در تمام حکایاتش جاری است و ماجرا را نه تنها تحمل‌پذیر بلکه لذت بخش می‌کند ولی این لذت تا کمی بعد از داستان ادامه دارد و بعد از آن، ذات غمگین و افسرده قصه خودش را نشان می‌دهد و خواننده را به سرزمین‌های تاریک می‌برد. به زعم بسیاری، سلین یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان تاریخ رمان است. نگاه او به دنیا بسیار سیاه، بی‌رحمانه و کالبدشکافانه است. او با شجاعتی بی‌نظیر پلیدی‌های انسان عصر جدید را برملا ساخت و آینه‌ای صادق در برابر او نهاد. همچنین نمی‌توان از زبان او یاد نکرد. او نثری بسیار عامیانه داشت و از عباراتی که خود می‌ساخت بسیار استفاده می‌کرد. وی زبان معیار را زبانی زنده نمی‌دانست. او تمام تابوهای عصر خود را شکست و تأثیری عمیق بر نویسندگان پس از خویش گذاشت.



با این که مرگ قسطی در فراز و نشیب زندگی شخصیت‌ها در هر سنی سرگ می‌کشد و از تلخی و شیرینی آن سخن می‌گوید، اما ادبیات نه‌چندان فاخر طبقه محروم داستان باعث می‌شود که این کتاب برای هر سنی از مخاطبان قابل توصیه نباشد

با «مرگ قسطی» به زندگی افراد سرگ بکشید

روایت زخم‌های نهان

اسما ساجدی پویا
نویسنده

عنوان «مرگ قسطی» خود شعری است و داستانی و معنایی از رنجی به نام زندگی. رنجی که گرچه سراسر ملال نیست، لحظات کوتاه شاد آن را به سختی می‌توان یافت. لحظاتی

که حتی اگر یافت شود زود فراموش خواهد شد. سلین در این کتاب از زخم‌های نهانی می‌گوید که هرگز بهبود نخواهند یافت. انسان‌هایی را به تصویر می‌کشد که برای تأمین رفاه عزیزانشان تن به دشوارترین کارها می‌دهند، اما در انتهای شب، پس از تمام تلاش‌هایی که برای آسایش آنها کرده‌اند، بی‌رحمانه از ایشان زخم می‌خورند و خطوطی پاک نشدنی بر روحشان می‌نشیند.

نهالی را تصور کنید که در اولین سال‌های رشد خود از امداد باغبانی چیره‌دست محروم بوده، ناگزیر زیر بار سنگینی اولین شاخ و برگ‌های خود خمیده است و حال پس از گذشت سال‌ها، تلاش او برای قد کشیدن و تصاحب سهم بیشتری از آفتاب بی‌اثر مانده. نه پناهی برای آشیان ساختن است و نه سایه‌ای برای آرمیدن.

شخصیت اصلی داستان، فردینان، پسرک جوانی است که طی سال‌ها به این باور می‌رسد که اگر دیگران ریشه ناکامی‌های زندگی را در ذات او می‌جویند، پس باید جهانی پلید و سیاه در وجود خود داشته باشد. می‌آموزد که باید به‌خاطر تمام اتفاقات ناگوار پیرامون خود شرمگین باشد و این شرم را تا آخرین لحظه در خود حس می‌کند.

تا آنجا که برای دوری از ملامت دیگران همراهی با شخصیت‌هایی که جایی در دلش ندارند را وظیفه خود می‌داند.

وقایع داستان در فضای زندگی طبقه محروم جامعه رخ می‌دهد و فقر، عنصر مهمی است که بر سراسر داستان سایه انداخته و تمام شخصیت‌ها را کم و بیش به خود

دچار کرده است؛ خلأیی که

حسرتی مدام در شخصیت

فردینان می‌سازد و زندگی او

را با جست‌وجویی بی‌پایان

برای به‌دست‌آوردن آسایش

و رفاهی نسبی گره می‌زند.

او به دنبال یافتن شغلی

مناسب با شخصیت‌هایی

از شهرها و جوامع مختلف

همراه می‌شود و تجربه سال‌ها

زندگی را در مدت کوتاهی توشه

راه می‌کند و در پایان چیزی که

او بیش از هر چیز با آن آشنا



می‌شود شکست است. شکست و اهمیت تلاش دوباره. زبان سلین در این کتاب، ساده اما بسیار آشفته است. او در مصاحبه‌ای در مورد زبان کتاب‌های خود این‌طور می‌گوید: «من همان‌طور که حرف می‌زنم می‌نویسم.» درحالی‌که حتی می‌توان گفت او همان‌طور که فکر می‌کند می‌نویسد؛ چراکه اثری از تلاش برای نظم‌دهی و معیارنویسی در جملات او به چشم نمی‌خورد. مهدی سبحانی، مترجم کتاب، این ویژگی زبانی سلین را به‌خوبی حفظ کرده و به ما اجازه داده سبک نویسنده را دریافت و از آن لذت ببریم. او با وقوف کامل بر قصد نویسنده از انتخاب این شیوه نگارش، سعی کرده تا تفاوت‌های زبانی نویسنده را بی‌کم و کاست به مخاطب منتقل کند.

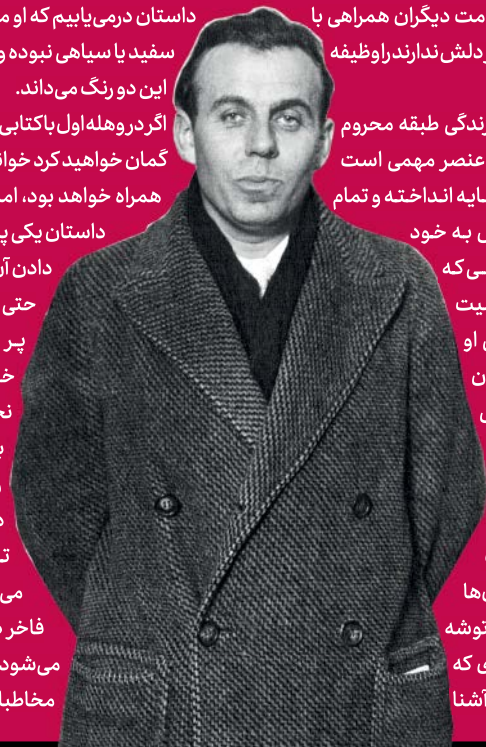
سلین با آدمی و زشتی‌های رفتاری و شخصیتی او بدون تعارف برخورد می‌کند و نشان می‌دهد انسان‌ها چطور در شرایط گوناگون ابعاد تاریک خود را بروز می‌دهند و دست به اعمالی شنیع می‌زنند. در قسمتی از داستان می‌خوانیم: «توی زندگی همین‌که وضع مان‌یک خرده بهتر می‌شود همه فکرم می‌رود دنبال کثافت‌کاری.»

او شخصیت‌ها را با تمام و جوه مثبت و منفی‌شان می‌پذیرد و به‌ما می‌گوید مان‌یک شاکله‌ای از نقاط قوت و ضعف هستیم که توسط دیگران و جامعه خود پذیرفته شده‌ایم. در طول داستان درمی‌یابیم که او مایل به خلق هیچ شخصیت سفید یا سیاهی نبوده و انسان‌ها را همگی ترکیبی از این دو رنگ می‌داند.

اگر در وهله اول با کتابی چنین پر حجم مواجه شوید، گمان خواهید کرد خواندن آن با لحظاتی کسالت‌بار همراه خواهد بود، اما اتفاقات و رخداد‌های مهم داستان یکی پس از دیگری شما را به ادامه

دادن آن ترغیب می‌کند؛ به‌طوری‌که حتی اگر اهل رمان‌های بلند و پر شرح و تفسیر نباشید، از خواندن این کتاب خسته نخواهید شد.

با این‌که مرگ قسطی در فراز و نشیب زندگی شخصیت‌ها در هر سنی سرگ می‌کشد و از تلخی و شیرینی آن سخن می‌گوید، اما ادبیات نه‌چندان فاخر طبقه محروم داستان باعث می‌شود که این کتاب برای هر سنی از مخاطبان قابل توصیه نباشد. [



برگ سبز خودرو سواری پژو پارس، مدل ۱۳۸۸، به رنگ سفید-روغنی، به شماره ۷۹۳-۵۶م-ایران ۴۵، به شماره موتور 12488251995 و شماره شاسی 743NAAN01CA5AK765743 به نام نصرت مداحی با کد ملی ۳۱۳۰۷۹۲۰۸۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کارخانه خودرو سواری پژو پارس، به رنگ سفید روغنی، مدل ۱۳۹۰، به شماره پلاک ایران ۱۴-۹۵۳ج۱۵، شماره موتور 12490022291 و شماره شاسی 442NAAN01CA8BK495442 به نام علی حیدرعلی زاده انگجی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

یک شرکت خدماتی
جهت مجتمع‌های تجاری و هایپر مارکت‌ها به ۱۰۰ نفر نیروی خدماتی آقا نیازمند است.
حقوق + بیمه + مزایا
۰۹۹۱۲۶۶۹۴۵۷ ۰۹۹۱۲۶۶۹۴۵۲